



درآمدی بر بایدونباید عمل گرایانهی مسئلهی ایران و حقوق بین الملل در حجاب

محمدجواد حیدریان دولت آبادی^۱

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه اصفهان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۳۰)

چکیده

پدیدهی حجاب، به عنوان یک امر فطری در نهاد بشر قرار دارد و در ادیان مختلف، استفاده از آن در میان زنان و حتی مردان وجود داشته است؛ اما آنچه امروزه در بسیاری از کشورها در برخورد با حجاب رؤیت می شود، چیزی خلاف این خواسته فطری است. از طرفی بسیاری از زنان مسلمان به این مسئله که یکی از آموزه های اسلامی است، به عنوان تکلیف دینی عمل می کنند و از طرف دیگر بر اساس موازین حقوق بشر نیز هر انسانی از حق آزادی فکر، اظهار عقیده و اجرای مراسم دینی به نحو فردی یا جمعی، خصوصی یا عمومی برخوردار است؛ لذا این پژوهش بر آنست که با روش کتابخانه ای غالب، از یک طرف ضمن تحلیل مجموعهی قوانین جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری که در آن تمامی زنان طبق قانون، ملزم به رعایت حجاب شده و حضور زنان بدون حجاب شرعی در انظار عمومی را جرم اعلام، و مجازات حبس و جریمه ی نقدی برای آن تعیین کرده، این

موضوع را با الهام از تعهدات بین‌المللی مورد واکاوی دهد. در این راستا، موضوع بر اساس اسناد بین‌المللی: «منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی و ...» که ایران نیز از امضاء کنندگان آن به شمار می‌رود، تطبیق سازی شده و با مروری بر قوانین جامعه حقوقی در این زمینه، مصادیق نقض این حقوق در بعضی از کشورها با پیشه ساختن سازوکار ممنوعیت هرگونه حجاب شرعی، مورد بررسی قرار گرفته، و همچنین با تأسی از اصول عمل‌گرایانه و سیاست اجرایی مزبور، تبیین خواهد شد که این رویکردها، در تناقض و تقابل جدی با قوانین حقوق بشری و آزادی دینی می‌باشد؛ به‌علاوه ضرورت به رسمیت شناختن حق حجاب و احترام آزادی دینی و عدم محدودیت پیروان ادیان هم‌زمان مورد تأکید قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی

حجاب، عفاف، پوشش اسلامی، حقوق بین‌الملل حجاب، قوانین حجاب

The earnest should be pragmatic about the issue of Iran and international law in the veil

▪ Abstract of research to English language

The phenomenon of hijab is a natural occurrence in the human body and in various religions it has been used among women and even men, but what is being seen today in many countries when dealing with the law is something contrary to this innate desire. On the other hand, many Muslim women act as religious duties as one of Islamic teachings, and on the other hand, according to the human rights standards, each human being has the right to freedom of thought, belief and practice of religious ceremonies individually or collectively, Private or public. Therefore, the present study is based on the use of the dominant library method, while analyzing the set of laws of the Islamic Republic of Iran as a state in which all women are required by law to observe the veil, and the presence of women without religious secrecy in public view is a crime. Declare, and impose a penalty and a fine for that matter Inspired by the analysis of its international obligations. In this regard, the issue is based on international documents: "The United Nations Charter, the Universal Declaration of Human Rights, the International Covenant on Civil and Political Rights, and ...", which Iran is also a signatory to, is adapted and reviewed. The laws of

the community of law in this field, the examples of violations of these rights in some countries, by examining the mechanism of the prohibition of any religious hijab, will be examined, as well as by observing the pragmatic principles and the policy of the abovementioned, that these approaches are in contradiction and contradiction. Is serious about the rules of human rights and religious freedom; in addition, the need to recognize the right of hijab and Respect for religious freedom and the lack of restrictions on followers of simultaneous religious affairs.

Keywords

veil, chastity, Islamic cover, international law, veil rules



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

حجاب ماهیتاً، مسئله‌ای فرهنگی بوده و به ارتباطات نظام اجتماعی بازمی‌گردد (محمّدی نیا، ۱۳۷۴: ۲۴) و از آنجاکه فقه مذاهب مختلف، هرگز از این عرف جدا نبوده است، بخش مهمی از مباحث حجاب در قالب تعامل فقه و قوانین جامعه و همچنین تعامل اخلاق و حقوق در جوامع اسلامی قابل‌فهم است. تعاملات مذکور که در سده‌های متمادی جایگاه حجاب در جوامع اسلامی را تعریف کرده‌اند پس از ورود جریان نوگرایی به جهان اسلام با تنش‌های خاصّ خود روبرو شده‌اند (صفّار دستگری، ۱۳۸۳: ۱۳۵). بنابراین رابطه حجاب با مفهوم زن در جوامع مدرن، مسئله‌ی حقوق زن و جایگاه اجتماعی زنان و اخیراً مسئله جهانی‌شدن از مواردی است که مسئله حجاب را به‌عنوان یکی از مسائل اساسی در عرصه‌ی دین و جامعه مدنی مطرح ساخته است. پوشش اسلامی و حجاب یکی از آموزه‌های دین اسلام است (قرآن کریم، ۳۳: ۵۹) که بسیاری از زنان مسلمان به‌عنوان تکلیف دینی به آن عمل می‌کنند. بر اساس موازین حقوق بشر، که ذکر خواهد شد، نیز هر انسانی از حقّ آزادی ایدئولوژیکی برخوردار است، که این امر شامل اظهار عقیده و ایمان، تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی به نحو فردی یا جمعی، خصوصی یا عمومی خواهد بود؛ البته باید این فرض را پذیرا بود که حکومت‌ها، برای نمود ظاهری بخشیدن به تفکرات دینی و باورهای مذهبی، در شیوه و مدل پوشش افراد جامعه اعمال نظر می‌کنند. به‌این‌ترتیب، پوشش و به‌ویژه پوشش سر زن مسلمان، تبدیل به یک نشانه صریح بر وجود اسلام در اروپای غربی گشته است، این موضوع در تعدادی از حکومت‌ها، سبب اختلافات سیاسی و پیشنهادهایی در خصوص «منع پوشش صورت» و ایجاد محدودیت برای حجاب گشته است. بر همین اساس سال‌ها است که پارلمان هلند به این موضوع اعتباری قانون بخشیده است، و استعمال «برقع افغانی» را منع نمود (عظیم زاده اردبیلی، ۱۳۸۶: ۴۵)؛ قوانین مشابهی نیز در فرانسه، بلژیک و حکومت‌های دیگر نیز وضع گردیده که به قوانین مشابه یا منع محدود حجاب می‌پردازند، برخی صرفاً پوشش صورت مثل نقاب و برقع را تحدید نموده و برخی دیگر لباس‌هایی که رمز و نشانه اسلام هستند، مثل خمار (مانند چادر) را منع نهاده‌اند (همان: ۴۹). ممنوعیت رعایت حجاب در مدارس کشورهای آذربایجان، تاجیکستان و قرقیزستان نیز، که ارمنان حکومت کمونیستی شوروی است، موضوعی قابل تأمل می‌باشد.

با عنایت به آنچه ذکر شد، ضرورت پیگیری سیاست‌های بین‌المللی کیفری در این راستا با رویکردهایی دوگانه، تنازع می‌باید؛ هرچند طرح این مسئله سابقه‌ای جدلی با نگارش مقالاتی چون: «بدحجابی و جرم مشهود» به قلم حسن عسکری راد در وقایع اتفاقیه، و جوابیه «دفاع غیرحقوقی از جرم مشهود بدحجابی» به قلم حسین مهدی زاده در روزنامه رسالت داشته است، و هم‌زمان سیاست اجرائی به وادی نقد کشانده شده است، این مقاله ضمن تعریف مشخص از مسئله حجاب، که در قوانین موضوعه ایران نیز توجهی به آن نشده است، به سیاست‌های کلان، در خصوص ضمانت کیفری و اجرائی حجاب در حقوق بین‌الملل پرداخته، و با قوانین جاری کیفری ایران در این باره تطبیق سازی کرده و نهایتاً راهکارهای مدون عمل‌گرایانه و پراگماتیستی را، از حاکم قوانین معاصر به تصویر می‌کشاند.

۱- تعریف مفهوم پژوهش؛ حجاب

حجاب اسلامی به پوشش‌های گوناگون زنان مسلمان گفته می‌شود و مفهومی منتج از قرآن کریم و فقه اسلامی و مستعمل در فرهنگ اسلامی بوده (میرزا وزیری، ۱۳۹۴: ۲۶) که ناظر به پوشش شرعی در مقابل نامحرم، به‌ویژه برای زنان است (دهخدا، ج ۵، ۱۳۷۳: ۲۳۹). حجاب گاه برگرفته از احکام شرع و گاه مربوط به قراردادهای اجتماعی و شرایط موقعیتی فرد است (جعفری لنگرودی: ج ۲، ۱۳۷۷، ص ۵۹). از دیدگاه فقها حجاب یکی از احکام اسلامی است و اصطلاحاً عبارت است از پوشاندن ضروری مو و سایر اعضای بدن به‌جز صورت و دو دست (و گاهی دو پا) توسط زنان مسلمان (تنها در صورتی که کنیز نباشند) (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۲۳)؛ در برابر مردانی که طبق شریعت اسلامی نامحرم شمرده می‌شوند (مکّی، بی تا: ۹۹).

۲- سیاست اجرائی مسئله حجاب در حقوق بین‌الملل

شکل ظاهری حجاب، بر اساس شرایط فرهنگی و حقوقی هر جامعه‌ای به‌مراتب دگرگون است. بنابراین نمای این مسئله را در دولت‌های غیر اسلامی و اسلامی، مورد واکاوی قرار می‌دهیم: در کشورهای غیر اسلامی خصوصاً اروپایی چون فرانسه، در برخورد با این موضوع، از سال ۲۰۰۴ م هر پوششی که نشانه صریح دین باشد، ممنوع شده است (French MPs: on. February. 2009).

در کشورهای اسلامی وضع متغیر است؛ به عنوان مثال، در تونس از ۱۹۸۱ (Skach:2006.100) تا ۲۰۱۱ و ترکیه از ۱۹۹۷، (Poulter:1977.17)، علیرغم آنکه دو دولتی هستند که جمعیت غالبشان مسلمان است، پوشش حجاب در مدارس دولتی، دانشگاه‌ها و اماکن اداری را ممنوع کرده‌اند. در بنگلادش نیز قوانینی مبنی بر پوشش سر در این کشور وجود نداشت؛ لیکن از زمان انتخاب حزب سکولار انجمن ملت در سال ۲۰۰۸، قلع و قمع علیه زنان محجبه بیشتر شد (Mashood:2008.124) و گزارش‌ها حاکی از ایجاد محدودیت‌های زیادی نسبت به زنان است. در سوریه نیز از سال ۲۰۱۰، پوشیدن نقاب در دانشگاه‌ها ممنوع شده است. (Rabiul:2010.2)؛ گرچه این محدودیت در خلال انتفاضه مردمی در جنگ داخلی سوریه برداشته شد. از سوی دیگر، در حکومت‌های اسلامی مانند مراکش، (Esposito:2003.18)، محدودیت‌هایی نسبت به زنان محجبه وجود دارد؛ چراکه حجاب دال بر اندیشه سیاسی-اسلامی یا اصولی بر ضد حکومت سکولار دانسته می‌شود. در مصر نیز، نوال سعداوی در اوت ۲۰۱۶ بیان داشت که حجاب، عُرفی نادرست و ارتباطی با دین یا اخلاقیات برتر ندارد؛^۱ با این وجود در گامبیا گرچه تا چند سال پیش، تعداد کمی از زنان این کشور محجبه بودند؛ در دسامبر ۲۰۱۵، رئیس‌جمهور یحیی جامه، این کشور را جمهوری اسلامی اعلام و حجاب را برای کارمندان زن اجباری کرد (CN.4:Sub.2015/2). در اندونزی، بر اساس قانون ملی و ایالتی، «جلباب» یا اصطلاح حجاب از مقوله‌های اختیاری است (Bledsoe & Boczek:1987.20)؛ چراکه حجاب پدیده‌ای نسبتاً جدید در اندونزی است. این موضوع حتی قبل از تأثیر فرهنگ غربی نیز وجود داشته، تا آنجا که بخش اعظمی از زنان اندونزیایی فقط برای ادای نماز حجاب را لحاظ کرده و یا در غیر نماز با تکه پارچه نازکی سر خود را می‌پوشانند. در کشور پاکستان، روزی با عنوان روز حجاب وجود دارد که این مراسم به همت شاخه‌ای از زنان حزب جماعت اسلامی کشور پاکستان صورت می‌پذیرد (Minorities:2004.36). در آن روز زنان با برپایی تظاهرات در شهرهای مختلف از جمله اسلام‌آباد، کراچی و راولپندی خواهان نقش‌آفرینی جامعه بین‌المللی برای رفع ممنوعیت حجاب در برخی کشورهای اروپایی و ترویج این فرهنگ اسلامی در شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی هستند.^۲ آنان با اشاره به اینکه مسئله حجاب نه تنها در قرآن بلکه در کتب آسمانی سایر ادیان الهی از جمله تورات و انجیل نیز آورده شده است،

سیاست‌های دوگانه غرب در قبال این موضوع را مورد انتقاد قرار می‌دهند و می‌گویند که حجاب جزو حقوق اساسی یک زن به شمار می‌رود. در نهایت، کشوری که خصوصاً در این راستا بررسی می‌شود، ایران، است؛ که حجاب به موجب قانون نه در معنای خاص خود، از سال ۱۳۶۳ اجباری گردید (ر.ک. بانک قوانین جامع کشور)؛ گرچه پیش از آن نصّ قانونی در این خصوص مشاهده نمی‌شود.

۳- ممنوعیت حجاب خلاف ضوابط و حقوق بین‌الملل است.

همان‌گونه که در برخی از قوانین داخلی کشورها ملاحظه گردید، زن مسلمان باحجاب به‌عنوان نشانگر هویت جمعی ملت مسلمان در تحولات اجتماعی انتخاب‌شده است (بیگی: ۱۳۹۲، ۶۷) تا با پروژه حذف حجاب وی هر چه سریع‌تر و عمیق‌تر به هدف سیاسی و نه حقوقی نائل آید. بر این اساس وقوع چنین امر شومی، از زوایای متعددی در حقوق بین‌الملل قابل مطالعه است؛ اما مقاله حاضر درصدد است، موضوع را از زاویه حقوق بشر اقلیت‌های دینی، بررسی نماید. این مهم آنجا جلوه می‌کند که مطابق آمار سازمان کنفرانس اسلامی نزدیک ۴۵۰ میلیون مسلمان در ۱۵۰ کشور غیر عضو سازمان زندگی می‌کنند (ر.ک: www.IRANWOMEN.ORG).

۴- بررسی مسئله در حقوق بین‌الملل اقلیت‌ها

پس از جنگ‌های جهانی اول و دوم، تغییرات عمده‌ای در مرزهای برخی از کشورها پدید آمد و کشورهای جدیدی به صحنه بین‌المللی راه یافتند. این امر باعث اختلاط نژادی، مذهبی و زبانی ملت‌ها شد و منجر به سکونت اقلیت‌ها در این کشورها گردید (ترنبری، ۱۳۷۹: ۲۵)؛ با تشکیل جامعه‌ی ملل، این پیشنهاد مطرح گردید که بخشی از میثاق جامعه به وضعیت اقلیت‌ها پردازد؛ سرانجام حقوق و امتیازاتی برای آنان در نظر گرفته شد (برمز، ۱۳۸۲: ۴۹)؛ روش حمایت از اقلیت‌ها در جامعه ملل، شامل یک آیین‌نامه نظارتی بود که اقلیت‌ها می‌توانستند، در مورد وضعیت خود، از کشور متبوع خویش به شورای جامعه ملل شکایت کنند. چنانچه میان شورا و کشور ذی‌نفع اختلافی پیش می‌آمد، مسئله به دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی ارجاع می‌شد و

رأی دیوان در این باره، لازم‌الاجرا و قطعی بود (ر.ک: ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۴: ص ۲۷۹؛ ذوالعین، ۱۳۷۴: ش ۱۵، ص ۴۳۹؛ زمانی، ۱۳۸۴: ص ۱۴۸).

الف) منشور ملل متحد و اصل عدم تبعیض

(مطابق بند ۳ ماده اول و بند ج ماده ۵۵ منشور): «کلیه دول عضو، متعهد به رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه، بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان یا دین» خواهند بود. بر این اساس، اقلیت‌های موجود در سرزمین دولت‌های عضو در پرتو اصل «عدم تبعیض» و برابری افراد با یکدیگر، در حمایت حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرند.

ب) اعلامیه جهانی حقوق بشر و اصل برابری

(مطابق ماده ۲ اعلامیه): «هر فردی بدون هیچ‌گونه تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، تولد یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و آزادی‌های اعلام‌شده در این اعلامیه برخوردار است». برخی از کشورها این پیشنهاد را ارائه کردند که در اعلامیه به حقوق اقلیت‌ها تصریح شود؛ ولی به دلیل مخالفت کشورهایمانند شیلی، ایالات متحده آمریکا و استرالیا، این پیشنهاد رد شد^۳؛ لذا نمی‌توان وجود اصل برابری و عدم تبعیض در این اعلامیه را نشان بذل توجه کافی و وافی به حقوق اقلیت‌ها دانست.

پ) کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل‌کشی

نسل‌کشی در این کنوانسیون هرگونه عملی است که هدف آن نابودی تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی نژادی یا مذهبی است (c.f. Bledsoe & Boczek, 1987: 68). (مطابق ماده ۲ کنوانسیون): «ارتکاب جنایت به دلایل قومی، ملی یا مذهبی مشمول این کنوانسیون بوده و هر عملی که در جهت از بین بردن تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا دینی، ارتکاب یابد، جنایت محسوب می‌گردد.

ت) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

در بحث حاضر، شاید بتوان تنها این میثاق را هنجار الزام‌آور حمایت از اقلیت‌ها دانست؛ زیرا (ماده ۲۷ میثاق) مزبور مقرر می‌دارد: «در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی، مذهبی یا زبانی وجود دارند، اشخاص متعلق به اقلیت‌های مزبور را نمی‌توان از این حق محروم نمود که مجتمعاً با سایر افراد گروه خودشان از فرهنگ خاص خود متمتع شوند و به دین خود متدین بوده و بر طبق آن عمل کنند یا به زبان خود تکلم نمایند». این ماده، حق متمتع از فرهنگ خاص خود، حق تدین به دین خود و عمل بر طبق آن و حق تکلم به زبان خود را برای اقلیت‌ها در نظر می‌گیرد. حق تدین به دین و عمل بر طبق آن از جمله: شرکت آزادانه اعضای اقلیت در مراسم و آداب دینی، عدم اجبار به آموزش تعالیم دین دیگر، حق تأسیس نهادهای مذهبی و ادامه فعالیت آن‌ها می‌شود (زمانی، ۱۳۸۴: ۱۸۶).

ث) کنوانسیون حقوق کودک

در کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹م. علاوه بر ماده ۲ این کنوانسیون که به منع تبعیض می‌پردازد، (ماده ۳۰)، درباره کودکان متعلق به اقلیت‌ها اشعار می‌دارد: «در کشورهایی که اقلیت‌های قومی، مذهبی، زبانی یا افرادی با منشأ بومی وجود دارند، کودک متعلق به این‌گونه اقلیت‌ها یا کودکی که بومی است، نباید از حق برخورداری از فرهنگ خود، برخورداری از مذهب خود و اعمال آن یا استفاده از زبان خود به همراه سایر اعضای گروه محروم شود».

۵- بسط و نتیجه‌گیری عمل‌گرایانه بحث

چنانچه ملاحظه گردید، عدم تبعیض مذهب و آزادی مذهبی در بسیاری از اسناد حقوق بشری آمده است؛ چنانچه به‌موجب (بند دوم و سوم ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی سیاسی) که مشابه ماده‌ی ۹ حقوق بشر اروپایی نیز می‌باشد، «هیچ‌کس نباید مورد اکراه واقع شود تا به آزادی او در داشتن یا قبول یک مذهب یا به معتقدات به انتخاب خودش لطمه وارد آورد؛ چراکه آزادی ابراز مذهب یا معتقدات را نمی‌توان تابع محدودیت‌ها

نمود، مگر منحصرأ به موجب قانون پیش‌بینی‌شده و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران ضرورت داشته باشد».

بر اساس موازین حقوق بین‌الملل بشر، دولت‌ها متعهدند درباره‌ی آزادی‌های دینی از اجبار خودداری کنند. دولت‌ها آن‌گونه که در بند سوم ماده‌ی ۱۸ میثاق مزبور آمده، فقط تحت شرایط خاصی، مثلاً هرگاه ضرورت سلامت، نظم و اخلاق عمومی جامعه ایجاب نماید، یا ابراز عقیده با حقوق اساسی دیگران در تعارض باشد؛ می‌توانند در انجام امور دینی محدودیت ایجاد کنند. بر این اساس به نظر نمی‌رسد «چادر»، «عبا»، «مانتو» و لباس زن مسلمان، «کلاه» یهودیان و «صلیب» مسیحیان، خطری برای سلامت عمومی اجتماع و نظم عمومی یا اخلاق باشد و با حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران نیز در تعارض باشد (میرمحمدی، ۱۳۸۷: ۳۷).

روشن است که رسمیت نداشتن دین اسلام در قانون اساسی کشوری، مانع از آن نیست که پیروان این دین به باورهای دینی خود عمل نمایند؛ زیرا موازین حقوق بشر از پوشش اسلامی حمایت می‌کند. لذا بسیاری از هواداران حقوق بشر در این کشور استفاده از حجاب را علاوه بر باورهای مذهبی یک حق بشری می‌شمارند. بنابراین جلوگیری از پوشش اسلامی نقض آزادی دینی افراد بوده که در اسناد حقوق بشر شناسایی شده است (poulter, 1997: p.51)؛ بنابراین به نظر می‌رسد منع حجاب در اروپا سهمی در توهّم بحران هویت دارد (غلامی، ۱۳۹۱: ۱۱۵)؛ زیرا از منظر حقوقی، نمی‌توان باوجود حقّ شناخته‌شده آزادی دینی، پوشش تعدادی از دانش‌آموزان و دانشجویان را در مدارس دولتی نشان مذهبی قلمداد نمود؛ بلکه می‌تواند اصول جدایی دین و دولت را در مدارس تضعیف نماید. بر این اساس برای اصول بین‌المللی که تا این حد، ضمانت‌های اجرایی ضعیفی را در برداشته، باید چاره‌ای اندیشید تا دگر بار در جامعه بشری مسائل و مشکلاتی که مترتب بر بانوان مسلمان ترکی و فرانسوی گردیده است؛ تکرار نگردد. شاید به همین خاطر است، که برخی نخستین راهکار را در جنب‌داری از ممنوعیت حجاب، حمایت از دختران مسلمان در برابر اجبار والدین تصوّر کرده‌اند (حدادی: ۱۳۸۵، ۹۵)؛ گرچه در حقوق بین‌الملل و در موادّ ۵ و ۱۸ کنوانسیون حقوق کودک و مانند آن همواره بر مسئولیت‌های والدین و تکالیف آنان در قبال فرزندان تأکید داشته و مسئولیت اخلاقی و آموزش‌های دینی را در درجه نخست، حقّ والدین به شمار آمده است.

۵-۱- سیاست اجرائی مسئله حجاب در حقوق ایران

نظر به جایگاه عفاف و حجاب در جامعه اسلامی و اهمیت تعیین، تعریف، تدوین و اجرایی راهبردهای مرتبط باهدف ارتقای کمی و کیفی موضوع، ضروری می‌نماید که قانون‌گذار مبادرت به تصویب قانون مرتبط با این موضوع کرده باشد؛ اما نگاهی به مجموعه قوانین کشور مؤیدی بر این واقعیت است که تاکنون و به‌طور مشخص بعد از انقلاب اسلامی، قانون جامع‌ومناعی در حوزه عفاف و حجاب که در بردارنده ی تعریف مفاهیم عفاف و حجاب، بازشناسی حوزه‌های متعدّد معنایی آن بخصوص در روابط خصوصی و روابط اجتماعی، واکاوی وجوه افتراق و اشتراک این حوزه‌ها، شناساندن گروه هدف قانون‌گذار، تعیین حدودمرزهای مجاز و ممنوعه عفاف و حجاب، تعریف صریح و شفاف تکالیف یا بایدها و نبایدهای قانونی و غیره و حسب اقتضا، تدوین مسئولیت‌های مربوط به تخطی از بایدها و نبایدها یا اوامر و نواهی قانون‌گذار در این حوزه، به تصویب نرسیده است (مختار: ش ۲۶: ص ۱۲۴)؛ بلکه به‌طور پراکنده با نوعی تشتت قانونی یا چندگانگی قانونی و فقدان نظم حقوقی مشخص در این موضوع مواجه هستیم؛ درحالی‌که بی‌تردید، بهترین راه برای توسعه عفاف و حجاب در یک جامعه، فرهنگ‌سازی و استفاده از راهکارهای فرهنگی است (گودرزی، ش ۳۹: ص ۱۳۱). کارکرد اجرائی و کیفی این قوانین، مجال این نوشتار را ندارد؛ لذا در اینجا به بررسی اجمالی قوانین جاری کشور در باب موضوع می‌پردازیم.

۵-۲- سیاست اجرائی در برابر جرم بی‌حجابی، کیفی است.

جرم انگاری (رعایت نکردن حجاب شرعی به‌وسیله‌ی بانوان) در قانون مجازات اسلامی، زمینه‌ساز بهره‌گیری از راهکارهای قضایی و انتظامی در برخورد با این پدیده است. جرم‌شناسی و تحلیل این بزه جرم‌زای اجتماعی، راهکار مناسبی برای بازشناسی قلمرو وظایف و اختیارات هریک از قوای اجرایی و قضایی در حوزه (دادرسی) بزه یادشده است. عملکرد منفعلانه و پراکنده‌ی نهادهای مسئول در برخورد با آن به‌عنوان یکی از مصداق‌های (انحرافات اجتماعی) سبب رشد و گسترش لجام‌گسیخته این پدیده در میان گروه‌های گوناگون اجتماع شده است (کرباسی، ش ۵۸: ص ۱۳۱)؛ به‌گونه‌ای که امروزه این اپیدمی فراگیر، امنیت و سلامت اخلاقی

جامعه را به مخاطره افکنده، و ما را به نتیجه‌ای رسانده که منتسکیو در کتاب «روح القوانین»، آن را چنین بیان کرده است: «با بررسی تمامی لاقیدی‌ها ملاحظه می‌شود که وقوع جرائم ناشی از بی کیفر ماندن جنایات است و نه تعدیل و کمی مجازات‌ها» (حجتی اشرافی، ۱۳۸۱: ۱۹)؛ بنابراین در ادامه، با تحلیل جرم رعایت نکردن حجاب شرعی به بازبینی وضعیت بزه بی حجابی در نظام حقوقی ایران و ترسیم وظایف نهادهای حکومتی بر اساس آن، می‌پردازیم تا رویه‌ی واحدی در برخورد با مسئله‌ی یادشده پدید آید و با بررسی آیین دادرسی جرم رعایت نکردن حجاب شرعی، به این نتیجه دست یابیم که در میان قوانین جمهوری اسلامی ایران، مقررات معتبر و نافذی است که از دیدگان بسیاری پنهان مانده است؛ بنابراین، اجرای این مقررات، گام مؤثری در عرصه‌ی سلبی برخورد با پدیده‌ی (بی حجابی) خواهد بود.

۶- بررسی مسئله در قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران

هرچند در اصول ۲، ۳، ۸، ۹ (قانون اساسی ایران)، تلویحاً و با عنایت به مسائلی چون ابتدای امر الهی در امور، حفظ کرامت انسانی و رعایت اصل امر به معروف و هم‌چنین اصول ۲۰، ۲۱ و ۴۰ آن، صراحتاً توجه به شخصیت زنان بر مبنای قواعد اسلامی مورد تأکید قرار می‌گیرد؛ اما برای درک نظام اجرائی و نه آرمانی موضوع بحث، ناخودآگاه به قوانین کیفری متوسل می‌شویم.

الف) قانون مجازات اسلامی

یگانه مستند قانونی برای جرم (رعایت نکردن حجاب شرعی از سوی بانوان)، تبصره‌ی ماده‌ی ۶۳۸ ق.م.ا. است. در تبصره‌ی این ماده که همان ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ است، آمده: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد».

ب) قانون رسیدگی به تخلفات اداری

رعایت نکردن حجاب اسلامی از سوی زنانی که کارمند دولت هستند، علاوه بر جنبه کیفری، بنا بر بند ۲۰ ماده ۸ (قانون رسیدگی به تخلفات اداری) مصوب ۱۳۷۲، تخلف اداری نیز به شمار می‌رود. هیئت رسیدگی به

تخلفات اداری کارمندان نیز مرجع رسیدگی به این تخلف است که باید کارمند متخلف را به یکی از تنبیه‌های مقرر در ماده ۹ قانون یادشده از (اخطار کتبی بدون درج در پرونده استخدامی) تا (انفصال دائم از خدمات دولتی در دستگاه‌های مشمول این قانون) محکوم کند.

پ) آیین‌نامه انضباطی دانشجویان جمهوری اسلامی ایران

(عدم رعایت پوشش اسلامی یا استفاده از پوشش و آرایش مبتذل)، عنوان تخلف اخلاقی دانش‌جویانی است که رسیدگی به آن در حدود اختیارات و وظایف در کمیته‌های انضباطی دانشگاه و کمیته مرکزی انضباطی است. این آیین‌نامه که مصوب ۱۳۷۴/۴/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی است، با تخلف شمردن بزه یادشده، تنبیه‌هایی از احضار و اخطار شفاهی گرفته تا منع موقت از تحصیل تا مدت دونیم سال تحصیلی برای متخلفان در نظر گرفته است.

ت) آیین‌نامه‌ی شناسایی البسه و آرایش غیرمجاز

به‌موجب بخشی از موارد تعیین‌شده از جانب «کمیسیون سیاست‌گذاری در امور اجرایی مبارزه با فساد»، مصوب سال ۱۳۷۱، (به‌عنوان البسه و آرایش غیرمجاز)، استفاده از انواع لباس‌های شهرت از قبیل: کت‌وشلوار مردانه (برای بانوان)؛ بلوز و دامن بدون مانتو؛ مانتوهای کوتاه، بالای زانو و آستین کوتاه، جرم‌انگاری شده است.

ث) قانون راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب

این قانون که مصوب ۱۳ دی ۱۳۸۴، شورای عالی انقلاب فرهنگی در دولت دهم می‌باشد، هدف درونی و نهادینه - ساختن حجاب و عفاف، را با مشارکت و توجه جدی همه‌ی دستگاه‌ها به‌صورت مستمر و هدفمند دنبال کرده و کلیه‌ی وظایف تخصصی دستگاه‌های قانون‌گذار و اجرایی را در قبال موضوع حجاب را به‌طور دقیق و مشخص، تبیین نموده است.

۷- بسط و نتیجه‌گیری عمل‌گرایانه‌ی بحث

(مطابق بند یک ماده‌ی ۲۱ آیین دادرسی کیفری)، جرم عدم رعایت حجاب شرعی از جمله جرائم مشهود محسوب می‌شود که ضابطین دادگستری به‌موجب آن، موظفند هر اقدام مؤثر در حفظ آثار و علائم جرم و همچنین جهت جلوگیری از فرار متهم را انجام دهند؛ بنابراین ضابطین ذیصلاح دادگستری در برخورد با مرتکب جرم عدم رعایت حجاب شرعی مکلف هستند با توقیف خانم بزهکار، وی را در مدت قانونی تحویل مراجع قضایی دهند تا اجرای مجازات به‌عنوان آخرین مرحله‌ی دادرسی کیفری به شرح ذیل صورت پذیرد.

بر این اساس مجازات‌های جرم رعایت نکردن حجاب شرعی، حبس یا جزای نقدی است. اشخاصی که محکوم‌به حبس هستند، با اعلام نوع جرم و میزان محکومیت برای تحمل کیفر به زندان معرفی شوند (زراعت، ۱۳۸۲: ۴۶۴) و مدت تمامی کیفرهای حبس از روزی شروع می‌شود که محکوم‌علیه به‌موجب حکم قطعی قابل‌اجراء حبس شود (گلدوزیان، ۱۳۸۵: ۴۷۹)؛ البته در اجرای حکم به جزای نقدی، میزان محکوم به باید به حساب خزانه دولت، واریز و برگه‌ی رسید آن پیوست پرونده شود (جهانگیر: ۱۳۹۲، ۶۸).

۸- راهکارهای برخورد با بزه رعایت نکردن حجاب شرعی

لازمه‌ی تحقق عدالت اجتماعی به‌عنوان زیربنای جامعه مدنی اسلامی، نهادینه شدن هر امری در بستر قانونی خویش است و اجرای حتمی قوانین کیفری و به کیفر رساندن ناقضان قانون از مقتضیات بدیهی آن به شمار می‌رود. ژوزف دومستر، فیلسوف فرانسوی، می‌نویسد: «شمشیر عدالت هیچ‌گاه نیام ندارد. مرتب باید تهدید کند و فرود آید» (قیاسی، ۱۳۷۹: ۱۱۸).

به‌این‌ترتیب، بهره‌گیری از راهکارهای انتظامی و قضایی در برخورد با بی‌حجابی و مظاهر مختلف آن، از ضروریات حتمی سیاست توسعه فرهنگ عفاف و حجاب است؛ زیرا بذر عفت و حجاب در شوره‌زار بی‌حجابی و بی‌عفتی، هیچ‌گاه به ثمر نخواهد نشست. بنابراین، تا زمانی که مسئولان در برخورد با مفاسد اجتماعی و ناقضان قانون مترقی حجاب، اقدام مؤثر و مستمری در پیش نگیرند، هرگونه سیاست ایجابی در توسعه فرهنگ حجاب بازدهی نخواهد داشت. نگارنده بر این عقیده است تا زمانی که قوانین موجود به‌صورت مستمر و جدّی اجرا نشود، قضاوت در مورد میزان تأثیر به‌کارگیری راهکارهای انتظامی و قضایی در جلوگیری از گسترش جرم

بی‌حجابی صحیح نخواهد بود. واقعیت نیز آن است که تاکنون به‌جز طرح‌های مقطعی و غیر جامع، مجموعه‌ی مدیریتی حاکم، سیاست مستمری در برخورد با پدیده بی‌حجابی نداشته است (مقدسی، ۱۳۹۶: ۲)؛ حال آنکه مهم‌ترین اقدام ایجابی در توسعه‌ی فرهنگ عفاف در جامعه اسلامی، می‌تواند، تبیین ضرورت آن و ایجاد افناع درونی نسبت به وجود ضروری و نافع آن در میان بانوان باشد.



بحث و نتیجه‌گیری

در نوشتاری که گذشت، سیاست کلان اجرایی درباره حجاب در ساحت حقوق بین‌الملل و حقوق موضوعه ایران، توأمان موردبررسی قرار گرفت و از طرفی با اتکا بر اصول و کنوانسیون‌های بین‌المللی، منع امر مقدّس حجاب و رویکرد گزینشی نسبت به آن را موردنقد قرار گرفت و درنهایت با ذکر دلایل تبیین شد که ممنوعیت حجاب اقدامی غیرقانونی و غیرانسانی بوده که با هیچ‌یک از موازین بین‌المللی و معاهدات موردقبول دول برابری نداشته و در مخالفت آشکار با آن منابع می‌باشد. درنهایت این قسمت با ذکر اینکه ممنوع دانستن حجاب، نقض حقوق بشری افراد و آزادی دینی بوده و بیشتر ناشی از اهداف سیاسی است تا حقوقی، خاتمه یافت.

از طرف دیگر با الهام از قوانین داخلی جمهوری اسلامی ایران، به جرم (عدم رعایت حجاب شرعی) و سیاست پراگماتیسمی آن پرداخته شد و ابراز گردید که حصول نتیجه مجرمانه و در پی آن وجود سوءنیت خاص از شرایط تحقق این جرم نیست و صرف عدم مراعات حجاب شرعی در مناظر عمومی موجب تحقق جرم است؛ فارغ از آنکه امنیت اخلاقی و اجتماعی جامعه به مخاطره بیفتد یا نیفتد؛ زیرا در چنین شرایطی، تصوّر فردی که نسبت به نظر قانون و حکومت اسلامی مان در مورد حجاب بی‌اطلاع باشد، غیرممکن است و همان‌طور که بیان شد، این مسئله‌ای نیست که امروزه مطرح شده باشد؛ بلکه مبارزه با بدحجابی و اقدامات پیشگیرانه و منع‌کننده در قبال آن، از سال‌های آغازین انقلاب وجود داشته است و قانون‌گذار برای ضمانت اجرایی داشتن احکام الهی در جامعه، دست به تدوین قوانین و تعیین مجازات زده است. به‌طوری‌که قانون مجازات اسلامی از سال ۱۳۶۲، بدحجابی و عوامل منجر به گسترش بدحجابی در جامعه را جرم شناخته و مجازات‌هایی را نیز برای آن تعیین کرده است؛ هرچند که این مجازات‌ها به‌مرور از شدیدترین شکل، یعنی شلاق، به خفیف‌ترین حالت یعنی جزای نقدی، تغییر کرده است (حبیب زاده و عینی نجف‌آبادی: ۱۳۸۳: ۳۵). روشن است که اقدامات تهییجی مانند چهارشنبه‌های سفید نیز در این راستا، فاقد مشروعیت و عقلانیت می‌باشد.

در انتها می‌توان به این نتیجه‌ی عملی دست‌یافت که حجاب، مقوله‌ای صرفاً فرهنگی و دینی است، به قانون تبدیل‌شده، و در نتیجه هرگونه اقدام عملی و برخورد با مخالفین، در چهارچوب قانونی آن قابل‌تعریف و توجیه خواهد بود. از این منظر، هرگونه مخالفت و ایستادگی در برابر آن، در جوامعی که بر این معروف صحّه

گذارده‌اند، به معنای قانون‌گریزی و مخالفت با قانون تفسیر خواهد شد؛ البته واضح است که هر قانونی ممکن است نقص‌ها و کمبودهایی داشته باشد و گاه با شدت عمل بیش‌ازحد یا بی‌تفاوتی شدید مواجه باشد. با این وجود، تمام این مشکلات به معنای کنار گذاشتن قانون نیست؛ در نتیجه، تذکر نقص‌ها لازم است و ضروری، اما نادیده گرفتن قانون عقلانی نخواهد بود؛ بلکه می‌توان راهکارهای منطقی جایگزین پیشنهاد داد. چنانچه در این مقاله بیان شد، راهی که برخی از اعضای جامعه‌ی بین‌الملل در محو آثار عمل‌گرایانه‌ی مثبت در مقابله با پدیده‌ی حجاب، اتخاذ کرده‌اند، ناسازگار با عرف و حقوق بشری بوده و به بن‌بست انجامیده است.



***پی نوشت:**

۱. برگرفته شده از سایت:

<http://www.un.org/en/members/index90-1-27>

۲. نخستین بار در سال ۱۹۸۹م. سه دانش‌آموز محجبه مسلمان از مدرسه‌ای در شمال فرانسه به دلیل استفاده از پوشش اسلامی، اخراج می‌گردند. این حادثه منجر شد، بحث در رابطه با موضوع حجاب اسلامی و رابطه دولت فرانسه با تقریباً ۳ میلیون مسلمان ساکن این کشور به وجود آید. بار دیگر در سال ۱۹۹۰م. تعدادی از دانش‌آموزان محجبه به همراه آموزگار کلاس، از مدرسه اخراج شدند. مشابه این رفتار در برخی دیگر از کشورهای اروپایی و آسیایی نیز تکرار شد. «لیلا شاهین» دانشجوی سال پنجم پزشکی دانشگاه «بورسا» در ترکیه به دلیل داشتن پوشش اسلامی از ادامه تحصیل محروم گردید. این دانشجو نیز مبادرت به شکایت در دادگاه اروپایی حقوق بشر نمود و دادگاه نیز سرانجام به نفع دولت ترکیه رأی صادر نمود. منبع:

<http://hrw.org/english/docs/2004/02/26/france7666>

۳. انتقاد عفو بین‌الملل از نقض حقوق مسلمانان در اروپا خبر و تفسیر برون‌مرزی؛ برگرفته شده از سایت:

<http://newsiribir/NewsPageasp91-2-5>

منابع

✚ قرآن کریم

— قوانین

○ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و شهروند

○ کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل‌کشی

○ کنوانسیون حقوق کودک

○ منشور ملل متحد

○ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

● قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

● آیین‌نامه‌ی انضباطی دانشجویان جمهوری اسلامی ایران

● آیین‌نامه‌ی شناسایی البسه و آرایش غیرمجاز

● قانون آیین دادرسی کیفری

● قانون راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ حجاب و عفاف

● قانون رسیدگی به تخلفات اداری

● قانون مجازات اسلامی

الف) فارسی و عربی

۱- برمز، اوا (۱۳۸۲)؛ سازش میان جهان شمولی و تنوع در نظام بین‌المللی حقوق بشر، مجموعه

مقالات دومین همایش بین‌المللی حقوق بشر، مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه مفید.

۲- بیگی، جمال (۱۳۹۲)؛ «ممنوعیت حجاب زنان مسلمان در کشورهای غربی و مغایرت آن با موازین

حقوق بشری»، قم: فصلنامه‌ی مطالعات حقوق بشر.

- ۳- ترنبری، پاتریک (۱۳۷۹)؛ حقوق بین الملل و حقوق اقلیت‌ها، مترجمان، آزیتا شمشادی، علی اکبر آقای، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی غیر انتفاعی.
- ۴- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸)؛ مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد دوم، چاپ اول، تهران، کتاب خانه گنج دانش.
- ۵- حبیب زاده، محمدجعفر و عینی نجف آبادی، محسن (۱۳۸۲)؛ مبنا و ملاک تعزیر، قسمت اول، نشریه‌ی دادرسی، سال ششم، شماره‌ی ۳۲.
- ۶- حبیب زاده، محمدجعفر و کوراهی مقدم، کیانوش (۱۳۸۳)؛ ماده‌ی ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی و رویارویی آن با اصل قانونی بودن جرم و مجازات، دو ماهنامه‌ی علمی و پژوهشی دانشور، سال نهم، شماره ۳۹.
- ۷- حجتی اشرفی، غلامرضا (۱۳۸۱)؛ مجموعه قوانین اساسی - مدنی، (با آخرین اصلاحات و الحاقات)، چاپ هفتم، تهران، گنج دانش.
- ۸- حدادی، مهدی (۱۳۸۵)؛ «ممنوعیت حجاب اسلامی در اروپا»، مجله‌ی پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، بهار و تابستان.
- ۹- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)؛ لغت نامه، جلد پنجم، چاپ اول (دوره‌ی جدید)، تهران: مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۰- ذوالعین، نادر (۱۳۷۴)؛ حمایت از حقوق اقلیت‌ها در حقوق بین الملل، مجله‌ی تحقیقات حقوقی، دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۱- زارعت، عباس (۱۳۸۲)؛ شرح قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات، چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس.
- ۱۲- زمانی، سید قاسم (۱۳۸۴)؛ حمایت از اقلیت‌ها در اسناد جهانی حقوق بشر، مجله‌ی پژوهش حقوق و سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.

- ۱۳- صفّار دستگردی، مهدی (۱۳۸۳)؛ آسیب‌های جامعه‌شناختی بدحجابی زنان، یالثارات الحسین، شماره‌ی ۲۷۱.
- ۱۴- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۵)؛ حقوق بین‌الملل عمومی، گنج دانش، تهران: چاپ بیست و دوم.
- ۱۵- عظیم زاده اردبیلی، فائزه (۱۳۸۶)؛ قانون منع حجاب و تعارض آن با اصول دموکراسی، قم: مجله‌ی تخصصی بانوان شیعه.
- ۱۶- غلامی، علی (۱۳۹۱)؛ حجاب در کشاکش حریم خصوصی و حقوق عمومی، تهران: فصلنامه‌ی مطالعات حقوقی دولت اسلامی.
- ۱۷- قیاسی، جلال الدین (۱۳۷۹)؛ روش تفسیر قوانین کیفری، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه قم.
- ۱۸- کرباسی، محمدمهدی (۱۳۸۷)؛ ماهیت جرم ازدیدگاه فقه و قانون جزا، معرفت، شماره‌ی ۵۸.
- ۱۹- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۵)؛ محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ اول، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- ۲۰- گودرزی، محمدرضا (۱۳۸۹)؛ محدوده قانون جزا و گستره جرم انگاری از دید مکاتب حقوق کیفری، مجله‌ی حقوقی و قضایی دادگستری، شماره‌ی ۳۹.
- ۲۱- محمدی نیا، اسدالله (۱۳۷۴)؛ آنچه یک زن باید بداند، چاپ چهارم، قم: تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه قم.
- ۲۲- مختار، محمد مصطفی (۱۳۸۸)؛ حجاب در نگاهی نو، پژوهش‌های قرآنی، شماره‌ی ۲۶.
- ۲۳- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹)؛ مسئله‌ی حجاب، چاپ پنجاه و دوم، تهران: انتشارات صدرا.
- ۲۴- مکی عاملی، علی حسین (بی‌تا)؛ سلسله‌الآثار الفقهی (دراسة فی المرأة و ستر الوجه و الکفین)، بیروت: الدارالاسلامیة.
- ۲۵- مهدی زاده، حسین: دفاع غیرحقوقی از جرم مشهود بدحجابی، روزنامه‌ی رسالت، ۱۳۸۳/۴/۳، تهران: لوح فشرده نمایه، شماره‌ی ۱۵۳.

۲۶- میرزا وزیری، هما: سیری دوباره در آیات حجاب، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۲۶، ۱۳۸۳، لوح فشرده نمایه، شماره ۱۵۳.

۲۷- میرمحمدی، مصطفی: عدم ممنوعیت حجاب اسلامی از منظر حقوق بین‌الملل اقلیت‌ها، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، تهران، شماره ۳۷، پاییز ۱۳۸۶.

ب) منابع لاتین

- 28-** Anwar, Muhammad & Blaschke, Jochen & Sander Ake: “State Policies Towards Muslim Minorities Sweden, Great Britain and Germany, Parabolis Verlagsabteilung im Europ?ischen Migrationszentrum” (EMZ) Schliemannstr, Berlin, (2004).
- 29-** Bledsoe, Robert L & Boczek, Boleslaw A: (1997), “The International law dictionary”, Oxford.
- 30-** C.f. “The Iranian Electronic Journal of Law”, available at: <http://hoqooq.net>.
- 31-** Commentary of the working group on minorities to the united nations Declaration on the Rights of Persons belonging to National or Ethnic, Religious and Linguistic Minorities (E/CN.4/Sub.2/AC.5/2015/2) para.3
- 32-** Esposito, ohn & Burgat, François (2008), “Muslim minorties in Europe: the silent revolution, Paris and Harvard University, Religion in the Public Sphere in the Middle East and in Europe”, Rutgers University Press.
- 33-** Mashood, Badrin (2009), “International Human Rights and Islamic Law”, Oxford University Press, London.
- 34-** Poulter, Sebastian: “Muslim Headscarves in School (1977), Contrasting Legal Approaches in England and France”, Oxford Journal of Legal Studies, Vol.17, No.
- 35-** Report of the Secretary General on the conditions of Muslim communities and minorities in NON-OIC Member states (2010), 24-27 Rabiul Awal 1421 H. 27-30 June, Para.1-2
- 36-** Skach, Cindy & Sahin Turkey, v. (2015), “Teacher Headscarf ” Case no. 2BvR 1436/02, The American Journal of International Law”, Vol.100